چنانکه می گویند رجل عدل ای عادل والله تعالی اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحاقة روز قیامت ما الحاقة چه روز قیامت وما ادریك وچه دانی تو ای محمد
ما الحاقة که چیست روز قیامت یعنی هرچند که صفت او بیان کنم از آن بهیبت تر است
و سخت تر تا کس نبیند سختی او را نداند الحاقة اسم فاعلست از حق الامر اذا وجب وثبت ای
ای الساعة الحاقة یعنی ساعتی که ثابت است و واجب است آمدن آن بی شک الحاقة مبتدا
وما الحاقة خبره ای ای شیء هی تفخیما لامرها بدانکه حق تعالی درین سوره بیان می کند عذاب کافران
و منکران قیامت را و ثواب مؤمنان و ترسکاران را و گفت جل جلاله کذبت ثمود
دروغ گوی داشت ثمود مشتق است از ثمد یعنی آب اندک قوم صالح پیغامبر که آب ایشان
اندک بود و عاد و قوم هود پیغامبر مر پیغامبران خود را بالقارعة بروز قیامت القرع
کوفتن ای الساعة القارعة یعنی ساعتی که بکوبد دلها را بترس و آسمانها را بشکافتن و کوهها را
بگداختن و ستارگانرا بریختن چون روز قیامت را یاد کرد کسانی را که بقیامت ایمان نیاوردند
عذاب ایشانرا در دنیا بیان کرد تا کافران بترسند و از کافری باز ایستند و پس گفت
جل جلاله فاما ثمود اما قوم صالح که ثمودیان بودند فاهلکوا پس نیست گردانیده
شدند بالطاغیة بسبب بی فرمانی مر پیغامبر خود را و قبول نا کردن حکم خدای تعالی

از وی طاغیه بمعنی طغیانی باشد و الطغی و الطغیان از حد در گذشتن و بقول امام قتاده
مراد از طاغیه صیحه است یعنی آواز سخت عظیم که از حد در گذشته بود و آن آواز جبریل بود که
همه ایشان بآن آواز هلاک شدند و بقول دیگر مراد از طاغیه رجفه است یعنی زلزله و جنبانیدن
زمین که همه را بزمین فرو بردند و بقول دیگر مراد از طاغیه صاعقه است یعنی آتش آسمانی که آمد و همه را
بسوخت قصه صالح پیغامبر علیه السلام بدانکه صالح به پنج پشت بنوح میرسد و مرد
سرخ سفید بود و از بهترین مردم بود و خویشان بسیار داشت و همه پیغامبران چنین
بوده اند حق تعالی وی را به پیغامبری فرستاد بقبیله ثمود که خویشان وی بودند
و در میان شام و حجاز می بودند و خانها در کوهها ساخته بودند از برای تابستان و زمستان
سنگها را بریده بودند و منزلها ساخته بودند و بتان داشتند و می پرستیدند صالح
ایشانرا بایمان و به بندگی حق تعالی خواند ایشان قبول نکردند و نگفتند که لا اله الا الله
صالح رسول الله و از صالح معجزه طلب کردند و وی میگفت که اگر معجزه را بنمایم و شما
ایمان نیاورید همه بعذاب خدای تعالی هلاک شوید این سخن وی را قبول کردند و ایشانرا
روز عیدی بود که با بتان بیرون می آمدند در عیدگاه خود و بتانرا سجده می کردند صالح را
گفتند تو نیز بعیدگاه ما بیا تو خدای خود را بخوان و ما خدایان خود را بخوانیم صالح قبول
کرد چون بعیدگاه رسیدند اتفاق کردند که از وی چیزی طلب کنیم نتواند آورد تا عاجز

Copyright © King Saud University